



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



در مکتب اهل بیت

تشیع، صراط مستقیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تشیع صراط مستقیم

نویسنده:

عبد الکریم الحسینی القزوینی

ناشر چاپی:

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	تشیع؛ صراط مستقیم
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۵	سخن مجمع
۱۹	مقدمه
۲۷	مقدمه مؤلف
۳۵	تحقیق و پژوهش در اسلام
۳۷	تشیع و اسلام
۳۷	اشاره
۳۷	وجه اول: وجوه چهارگانه بحث
۳۷	اشاره
۳۷	معنای تشیع از منظر لغت
۳۸	معنای تشیع از منظر اصطلاح
۴۴	وجه دوم: تشیع از چه زمانی آغاز شد؟
۴۴	اشاره
۵۴	دلایل وجوب تمسک به مذهب اهل بیت (علیهم السلام)
۵۸	وجه سوم: تصریح پیامبر (علیهما السلام) بر تشیع و شیعه ائنا عشری
۶۱	وجه چهارم: ویژگی های شیعه
۶۴	خواننده محترم!
۶۵	مآخذ
۶۷	درباره مرکز

سرشناسه: حسینی قزوینی، سید عبدالکریم، ۱۳۴۳ -

عنوان قرارداد: التشیع هو الصراط المستقیم . فارسی

عنوان و نام پدیدآور: تشیع؛ صراط مستقیم [کتاب] / گروه پژوهش و پاسخ به شبهات، عبدالکریم حسینی قزوینی؛ مترجم کاظمی حاتمی طبری؛ تهیه کننده اداره ترجمه معاونت فرهنگی [مجمع جهانی اهل بیت (ع)]؛ ویراستاری امرا... نصیری.

مشخصات نشر: قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۴۳۵ ق. = ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۶۰ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م.

فروست: در مکتب اهل بیت علیهم السلام؛ ۴۲.

شابک: دوره ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۷۰-۴؛ ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۳۱۲-۱

یادداشت: کتابنامه ص. [۵۹]-۶۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: شیعه -- احادیث شیعه

موضوع: شیعه -- احادیث اهل سنت

موضوع: شیعه

شناسه افزوده: حاتمی طبری، کاظم، ۱۳۴۷ -

شناسه افزوده: نصیری، امرالله، ویراستار

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت (ع). اداره ترجمه

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت (ع)

رده بندی کنگره: ۵/۱۱۶/۵BP ح ۵۰۴۱ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۷۲۷۳۸

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

تشیع؛ صراط مستقیم

گروه پژوهش و پاسخ به شبهات، عبدالکریم حسینی قزوینی

مترجم کاظمی حاتمی طبری

ص: ۴

تهیه کننده اداره ترجمه معاونت فرهنگی [مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)]

ویراستاری امرا... نصیری

ص: ۶

«کار اساسی شما [مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)]... معرفی مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است به دنیای اسلام. بلکه به سراسر عالم، چون امروز همه دنیا تشنه معنویت اند و این معنویت در اسلام هست و در اسلامی که در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) معرفی می کند به نحو جامع و کاملی وجود دارد».

(از بیانات مقام معظم رهبری «مد ظله العالی»، ۱۳۸۶/۵/۲۸)

مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) که تبلور اسلام ناب محمدی علیهما السلام و متکی بر منبع وحیانی است، معارف ژرف و عمیقی دارد که از اتقان، استحکام و برهان برخوردار می باشد و مطابق با فطرت سلیم انسان هاست؛ بر همین اساس است که حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«فإنَّ الناس لو علموا محاسن كلامنا لا تبعونا» [شیخ صدوق (رحمه الله)، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲: ۲۷۵]. این مکتب غنی و نورانی در پرتو عنایات الهی و هدایت ائمه ی اطهار (علیه السلام) و نیز مجاهدت هزاران جهادگر عرصه های علم و فرهنگ در طول قرون گذشته و حال، بسط و گسترش یافته است.

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (قدس سره) و تأسیس نظام اسلامی با تکیه بر قوانین اسلامی و با

محوریت ولایت فقیه، افق های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی را برای انسان های آزاده به ویژه مسلمانان و پیروان و محبان اهل بیت (علیهم السلام) گشود و توجه بسیاری از نخبگان و مستضعفان جهان را به خود معطوف کرد.

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، مولود این دگرگونی مبارک است که به ابتکار مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) در سال ۱۳۶۹ شمسی / ۱۹۹۰ میلادی تأسیس شد و تاکنون خدمات شایانی را در تبلیغ معارف قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) و حمایت از پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان انجام داده است.

معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) در راستای رسالت خود جهت ارتقای شناخت و آگاهی پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در موضوعات، سطوح، مخاطبان و عرصه های مختلف، در حوزه های تولید کتاب و مجلات به زبان های متعدد و سائر محصولات فرهنگی به فعالیت پرداخته است.

این اثر با هدف معرفی معارف اهل بیت (علیهم السلام) و پاسخ به شبهات مخالفین به ویژه وهابیان و سلفی ها تهیه شده و حاصل تلاش علمی و پژوهشی گروهی از پژوهشگران و نویسندگان فرهیخته و صاحب نظر و ارجمند می باشد.

در اینجا بر خود لازم می دانم از دبیر کل محترم مجمع، حضرات اعضای محترم شورای کتاب، مدیران محترم اداره کل پژوهش و ترجمه، رئیس محترم گروه مطالعات بنیادی، دبیر محترم شورای کتاب و گروه مطالعات بنیادی، مترجمین عزیز و همکاران اداره ی ترجمه تقدیر و تشکر نمایم. همچنین از برادرانی که در ویرایش، تایپ، مقابله، تصحیح، آماده سازی، نشر و چاپ این کتاب تلاش کردند، تشکر می کنم و توفیق همگان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

معاونت امور فرهنگی مجمع در راستای تعمیق و پویایی آثار منتشره در حوزه ی معارف اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان، از دیدگاه ها و پیشنهادهای اساتید، فرهیخته گان، صاحب نظران و پژوهش گران ارجمند استقبال می کند تا زمینه های بسط و گسترش هرچه بیشتر معارف اهل بیت (علیهم السلام) فراهم گردد.

به امید تعجیل در ظهور و فرج منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج).

نجف لک زایی

معاون امور فرهنگی

ص: ۱۱

وحدت، همبستگی، اتحاد و انسجام، از اصول عقلانی و برخاسته از اعماق سرشت انسانی است؛ هم چنان که یک اصل ثابت، مسلم و همیشگی دین مقدس اسلام نیز بوده و هست و تحقق آرمان های آفرینش و نیل به اهداف عالی آن در این راستا قابل دسترسی است و قطعاً هیچ قوم و آحاد جامعه ای، در جنگ و فتنه، نزاع و تفرقه، به خیر و سعادت و کمال انسانی، نخواهد رسید.

امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بَفُرْقِهِ خَيْرًا مِّمَّنْ مَضَى وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ. (۱)

«خداوند سبحان، نه به گذشتگان و نه به آیندگان، با تفرقه و جدایی خیری را عطا نکرده و نمی کند».

در سایه وحدت و یک دلی است که جامعه به آرمان ها و پله های ترقی، گام نهاده و زیباترین استحکامات را بر سرتاسر جامعه حاکم می کند و محبت و صمیمیت و صلح و صفا را می گستراند.

از این رو، می بینیم قرآن کریم با لحن محکم و با هدف هدایت، چنین می فرماید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. (۲)

ص: ۱۳

۱- (۱) - نهج البلاغه: خطبه ۱۷۶.

۲- (۲) - آل عمران: ۱۰۳.

«همه با هم، به حبل الله چنگ زنید و پراکنده نشوید و یاد بیاورید آن زمانی را که با هم دشمنی می کردید. پس خداوند دل های شما را به هم نزدیک کرد و الفت و برادری بر شما حاکم نمود و (نیز) یاد بیاورید آن زمانی را که شما، در لبه پرتگاه آتش قرار داشتید، پس خداوند شما را از آن نجات داد و خداوند این چنین آیات خود را تبیین می کند، شاید به هدایت دست یابید».

و نیز پیامبر اکرم؛ حضرت محمد بن عبدالله (علیهما السلام) می فرماید:

«المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً». (۱)

«نسبت فرد با ایمان با مؤمن دیگر، همانند اجزای یک ساختمانند که هر جزئی از ساختمان، جزء دیگر را نگه داشته و محکم می نماید».

و نیز حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) می فرماید:

«المؤمن أخو المؤمن، كالجسد الواحد، إن اشتكى شيئاً منه وجد ألم ذلك في سائر جسده». (۲)

«مؤمن برادر مؤمن است، مانند آنکه یک جسد می باشند؛ اگر عضوی از آن به درد آید، درد و رنج آن به دیگر اعضا خواهد رسید».

بنابر این تفرقه، کینه توزی، نزاع و خون ریزی، هرگز مشروعیت و مصونیت نداشته و از کبائر و زشتی هاست که وجدان و عقل سلیم، آن را بی اساس و بی فرهنگی معرفی کرده و در دین اسلام هم شدیداً مورد نکوهش و توبیخ قرار گرفته و مرتکب آن را به عذاب الهی، وعده داده است.

جهالت جاهلان و دسیسه دسیسه گران و فتنه انگیزان، در طول تاریخ مسلمین، کوشیده است که وحدت صفوف و یک پارچگی مسلمین، به جنگ و

ص: ۱۴

۱- (۱) - اصول کافی ۱۶۶/۲؛ نهج الفصاحه: ۷۷۹؛ کنز العمال: ۱۴۱/۱.

۲- (۲) - بحار الأنوار: ۱۴۸/۶۱.

خون ریزی تبدیل شده و کینه و بغض و بد بینی و اِتهام به خروج از دین و ورود در شرک را گسترش دهد. بنابراین بر مسؤلان و رهبران امت و بر آحاد جامعه اسلامی، فرض و حتم است که اجازه ندهند چنین فضائی بر جامعه اسلامی حاکم گردد و در نتیجه ذخائر و ثروت های امت اسلام، توسط مستکبران روزگار و کافران خوش رنگ و نگار و صاحبان تراست ها و کارتل ها به راحتی و سهولت، غارت شود.

ما پیروان اهل بیت (علیهم السلام)، بر خود لازم می دانیم جهت وحدت بیشتر مسلمین و زدودن موانع این اتفاق و انسجام، نسبت های ناروائی که در طول تاریخ، به ویژه در این سال های اخیر، به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و به صورت ناجوانمردانه نسبت داده شده، از خود دور کنیم و با تمام وجود، از این تهمت ها و نسبت ها توسط تکفیری ها و جریاناتی که آلت دست انگلیسی ها، صهونیست ها، و غارتگران امریکا و ... هستند، اعلان انزجار و تبری بجویم.

از باب نمونه:

۱ - ما که کتاب آسمانی مصون از تحریف، یعنی قرآن کریم را تنها کتاب همه مسلمین و بدون آن که کم و زیاد شده باشد و عیناً، همان قرآن کریم حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی (علیهما السلام) و ثقل اکبر و سرتاسر آن را داعی توحید و یکتاپرستی می دانیم؟

- ما که بزرگ ترین موفقیت پیامبر اکرم (علیهما السلام) را نفی بتها (اصنام) و نفی عبادت لات و عزری و اعلان و تحقق کلمه توحید «لا اله الا الله» می دانیم؟

- ما که خطبه های غزای توحیدی مولی الموحدين امیر المؤمنین (علیه السلام) را - شبانه روز - در مراکز آموزشی و پژوهشی، دانشگاه ها و حوزه ها و محافل علمی و تربیتی مان به تلاوت و تدریس و استضاءه می نشینیم؟

ص: ۱۵

- ما که در مساجد و مراکز عبادتی مان ، متون سراسر توحید اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) را همانند دعای کمیل از امام علی(علیه السلام)، دعای عرفه از امام حسین(علیه السلام) و دعای ابو حمزه ثمالی از امام سجاد(علیه السلام) و ده ها دعای توحیدی دیگر تلاوت می شود و طنین انداز است:

«... متی غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ... عَمِيْتُ عَيْنٌ لَا تَرَكَ... مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا أَلْمَذَى فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ...».

(۱)

- ما که هزاران اثر معرفتی و توحیدی همچون کتاب توحید شیخ اقدم «صدوق» را داریم، ما که ...

با همه این اوصاف، به صورت جاهلانه و مزورانه و مزدورانه به هدف بدبین کردن سایر مسلمین ناجوانمردانه به شرک متهم شده و می شویم!!! (فما لهم کیف یحکمون)!!؟!!

۲- اعتقاد به امام مهدی(علیه السلام) و مهدویت، ریشه قرآنی دارد و مذاهب و فرق اسلامی - روی هم رفته - به آن اعتراف دارند تا جائی که انکار آن را موجب قتل منکر آن دانسته اند. (۲)

و نیز جایگاه رفیعی از سنت و معرفت اسلامی را برای آن حضرت ذکر کرده اند و قاطبه علمای اهل بیت(علیهم السلام) و بسیاری از علمای مذاهب اسلامی، روایات و احادیث و اخباری که در شأن و ولادت آن حضرت است، مورد تصریح و تصحیح و اعتراف قرار داده اند؛ مانند صاحب سنن ترمذی، قرطبی مالکی، ابوجعفر عقیلی، سیوطی، ابن حجر عسقلانی، حاکم نیشابوری، بیهقی، ابن اثیر، بغوی، ابن قیم، ذهبی، تفتازانی، ابن کثیر دمشقی، جزری شافعی، عبدالوهاب شعرانی، متقی هندی، عبدالباقی زرقانی، سفارینی حنبلی، محمد امین

ص: ۱۶

۱- (۱) - بحار الأنوار: ۲۲۶/۹۵ (بخشی از دعای عرفه).

۲- (۲) - همانند ابن حجر هیتمی شافعی، شیخ صبای حنفی، خطابی مالکی، یحیی حنبلی و...

سویدی، شوکانی، مؤمن شبلنجی، قنوجی بخاری، کتانی مالکی، خضر مصری، غماری شافعی، ناصر الدین البانی، ابوعلی مودودی، کمال الدین ابن طلحه شافعی، یاقوت حموی، ابو نعیم اصفهانی، ابن جوزی حنبلی، گنجی شافعی، جوینی شافعی، ابن علی شافعی همدانی، حمد الله مستوفی، ابن شحنة حلبی حنفی، خواجه پارسا حنفی، ابن صبّاغ مالکی، سراج رفاعی، ابن طولون دمشقی، ابو عیّاس قرمانی حنفی، ابن عامر شیراوی، سابط قاضی حنفی، قندوزی حنفی، حمزاوی شافعی مصری، زرکلی سلفی، یونس سامرای، احمد طوسی بلاذری، ابن شاکر بدری شافعی، عبدالکریم یمانی، صبان شافعی، ابن عماد دمشقی حنبلی و غیر اینان... .

حال نگاه بیندازید و ببینید:

امام مهدی(علیه السلام) و مهدویّت - که در کتاب و سنّت، محکم ترین ریشه و اساس و برهان و این همه معترف به تواتر و صحت و ولادت و حیات از جمیع فرق اسلامی دارد- چگونه با زشت ترین تعبیرها مورد استهزاء و تمسخر و افتراء و نسبت های ناروا قرار گرفته است؟!.

از این عصاره انبیاء و خلف اوصیا، گاهی به «امام مزعوم» و گاهی به «معدوم» و ... تعبیر می شود!! و گاهی می نویسند که شیعیان کنار سرداب حله یا سرداب بغداد، یا سرداب سامرا (1) و یا ... مرکبی را آماده می کنند تا آن که او وقتی که از آن سرداب خارج شد، سوار آن مرکب شود!. اینان هنگام نماز هم، هم چنان در کنار مرکب باقی می مانند، زیرا ممکن است که در همان وقت از سرداب خارج شود و کسی کنار مرکب نباشد تا او را سوار کنند!!.

ص: ۱۷

وارونه نشان دادن حقایق، تحریف و سیاه‌نمایی در زمینه اعتقادات و معارف حقه اهل بیت (علیهم السلام) توسط دشمنان و بقاء بر میت‌های آکله‌الاکباد و آنان که گوینده «لا اله الا الله و محمد رسول الله» و معتقدان معاد و محشر و اهل قبله و قرآن را همانند گوسفند سر می‌برند و جهت جلب رضایت سردمداران کفر و غاصبان قدس، همه‌گونه خوش‌خدمتی دارند و در تمام دوران ننگین رژیم جعلی و سفاک صهیونیستی، در حمایت از مظلومین فلسطین، و مقدسات مسلمین حتی یک فشنگ و یا تیری رها نکرده‌اند، اما هر روز شاهد آنیم که دسته‌دسته اهل قبله و توحید و بعثت و معاد را با کمال شقاوت و بی‌رحمی، قطعه‌قطعه و به آتش می‌کشند و فتنه و تفرقه را بین امت اسلام می‌گسترانند.

لازم به تذکر است: این دو مورد به عنوان نمونه بود و گرنه مسلمانان هر روزه شاهد نشر و بسط صدها مورد دیگر با هزاران سایت و کتاب و مقالات و نرم‌افزار، توسط این مجموعه فاقد عاطفه و رحم و متحجر و تکفیری با هدف شوم تفرقه‌افکنی و جنگ و جدال در امت اسلامی می‌باشند، فالی الله المشتکی.

در هر صورت، ما به عنوان این که به حفظ وحدت مسلمین و قطع ید اجانب از بلاد اسلامی و زدودن اتهامات و افتراءات از مکتب اسلام و معارف اهل بیت (علیهم السلام) مکلفیم، بر خود واجب می‌دانیم جهت زایل کردن بدبینی از ذهنیتی که اینان در بین عموم مسلمین با دروغ، نفاق، افتراء و بهتان ساخته‌اند، اقدام نماییم و انزجار و بی‌زاری خود را از این تفرقه‌افکنان و جنگ‌افروزان وابسته به استکبار و کفر جهانی، اعلان نماییم.

مجموعه «فی رحاب اهل البیت (علیهم السلام)» (۱) حدود چهارده سال پیش، جهت زدودن این ذهبت و زدودن برخی از موانع وحدت، در معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و با کمک، مساعدت و همکاری گروهی از فضلا و محققین (۲)، طراحي و سپس مورد تنظيم و تدوین قرار گرفت.

بحمدالله به سرعت و به طور گسترده و چشمگیر، مورد استقبال محافل علمی و پژوهشی و علاقه مندان و دوستان وحدت مسلمین، قرار گرفت.

شخصیت های علمی و دست اندرکاران نشر و قلم و گروه های محاوره و مناظره، در همان زمان تدوین و نشر، پیشنهاد ترجمه ی این مجموعه را به زبان های زنده دنیا دادند که بحمدالله ترجمه فارسی آن توسط اداره ترجمه

ص: ۱۹

۱- (۱) - این مجموعه بیش از چهل جلد است که هر یک از آنها به یک موضوع و یک شبهه اختصاص دارد و به زبان عربی و با سبک مقارنه و ارائه دلائل تنظیم یافته است.

۲- (۲) - جهت تقدیر از زحمات عزیزانی که در این مجموعه به نوعی تلاش داشته و نقشی که در تحقق این کار علمی و فرهنگی داشته اند. متذکر می شویم: ۱- ابوالفضل اسلامی (علی)؛ مسؤول گروه و مشرف علمی پروژه. ۲- سید منذر حکیم؛ پیگیر امور مجموعه. ۳- ۵- سید عبدالرحیم موسوی (رحمه الله)، شیخ عبدالکریم بهبهانی و صباح بیاتی؛ تهیه کنندگان بعضی از متون مجموعه. ۶- ۹- شیخ عبدالأمیر سلطانی، شیخ محمد هاشم عاملی، شیخ محمد امینی و شیخ علی بهرامی؛ تصدی مسائل استخراج و مقابله. ۱۰- ۱۳- سید محمدرضا آل ایوب، عباس جعفری، حسین صالحی و عزیز عقابی؛ در مسائل تصحیح و تطبیق و روند امور. ضمن آن که از نظرات ارزشمند آقایان: شیخ جعفر الهادی (خوشنویس)، شیخ محمد هادی یوسفی غروی، استاد صائب عبدالحمید و غیر اینان در برخی از این متون استفاده کرده ایم. جزاهم الله خیر الجزاء. (ناشر)

معاونت امور فرهنگی، آماده گردید و اینک مورد بررسی مجدد و ویراستاری قرار گرفت و تقدیم علاقه مندان می شود.
امید است که این تلاش و جهاد فرهنگی، مورد قبول پروردگار متعال و عنایت حضرت بقیه الله الأعظم (عج) قرار گرفته باشد.

گروه مطالعات بنیادی

ابوالفضل اسلامی (علی)

۱۳۹۲/۸/۲۸

ص: ۲۰

وقتی یک مسلمان، برای ادای فریضه حج و سنت عمره سفر می کند، طعم شیرین اسلام و عبودیت را چشیده تبلور ایمانش را در خلال انجام این مناسک، یافته و خویشتن را در حضور خدای تعالی و روحانیت و معنویت او می بیند.

اما با کمال تأسف، در طول این سفر، با واقعیتهای تلخ، برخوردهای خشن و رفتارهای زشت جاهلی مواجه می گردد؛ با انواع دروغها که به پیامبر اکرم (علیهما السلام) نسبت داده می شود و تهمتها و افتراهای باطلی که به مسلمانان و مؤمنان، زده می شود.

بدین ترتیب، آرزوهای معنوی از این سفر روحانی، به واقعیتهای تلخ مبدل می شود که مایه وهن اسلام و مسلمین است؛ خصوصاً که این گونه اعمال، در مراکز عبادت و مساجد مقدسی صورت می پذیرد که برترین و مقدس ترین مساجد نزد مسلمانان هستند؛ مکانهایی که هر مسلمانی آرزو دارد در طول عمر خود، فرصت حضور در آنها و بهره برداری از فیوضات معنوی آن اماکن مقدس را داشته، برای قوام بخشیدن به باورهای ایمانی خود، در رواقهای آن بنشیند.

اما با کمال تأسف، در چنین لحظات ملکوتی و عرفانی، با چهره هایی درهم کشیده، زبانهایی گزنده، رفتارهایی بد و روحیه ای

تهاجمی، رو به رو می شود؛ آن هم از ناحیه کسانی که با تظاهر به دینداری، ریشهایی بلند و لباسهایی کوتاه دارند:

... أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا (۱).

«چنین می پندارند که از نیکوکارانند».

اما عملکرد آنان و تهمت و افتزایی که بر مؤمنان وارد می آورند، ایشان را جز مصداق این آیات نمی کند که:

... إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا (۲).

«آن، زشتکاری و [مایه] دشمنی، و بد راهی بوده است».

... وَ هُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَى ظُهُورِهِمْ... (۳).

«و آنان، بار سنگین گناهانشان را به دوش می کشند».

اینان مصداق همان شعر شاعر عرب هستند که گفت:

فقل لمن يدعى في العلم معرفة حفظت شيئاً وغابت عنك أشياء

«به آن که در وادی دانش، ادعای معرفت می کند، بگو: مطلبی آموختی، اما بسیاری از نکات را از دست دادی».

ما نیز خطاب به آنان می گوئیم:

ص: ۲۲

۱- (۱) - كهف (۱۸): ۱۰۴.

۲- (۲) - نساء (۴): ۲۲.

۳- (۳) - انعام (۶): ۳۱.

۱- احترام گذاشتن به قرآن و سنت، احکام و شرایط خاص خود را داراست و تنها با بلند کردن ریش و پوشیدن لباس کوتاه حاصل نمی شود بلکه انسان مسلمان باید ملتزم به انجام واجبات و ترک محرمات باشد. در غیر این صورت، این آیه شریفه بر او صادق می آید که می فرماید:

...أَفْتُوْمُنُونَ بِنِعْضِ الْكُتُبِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضِ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ... (۱).

«آیا شما به پاره ای از کتاب [تورات]، ایمان می آورید و به پاره ای، کفر می ورزید؟ پس جزای هر کس از شما که چنین کند، جز خواری در زندگی دنیا و روز رستاخیز، چیزی نخواهد بود».

۲- از مسلمات اسلام این است که افترا بستن بر مؤمنان و نسبت دادن مطالب باطل و تهمت زدن به آنان، از محرمات مؤکداست که خدای تعالی در آیات بسیاری از قرآن، از آن نهی فرموده است:

فَمَنْ أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۲).

«پس کسانی که بعد از این، بر خدا دروغ بندند، آنان خود ستمکارانند».

و نیز در مقام سرزنش این مفتریان می فرماید:

ص: ۲۳

۱- (۱) - بقره (۲): ۸۵.

۲- (۲) - آل عمران (۳): ۹۴.

إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ... (۱).

«تنها کسانی دروغ پردازی می کنند که به آیات خدا ایمان ندارند».

حال، با وجود این آیات کریمه چگونه بر آنان جایز خواهد بود که چنین افتراهای سراپا دروغی را به مؤمنان نسبت دهند؟ درحالی که کتابها و عقاید این مؤمنان، شاهد صادقی بر بیزاری آنان از مضمون این اکاذیب و پاکی اسلام و ایمان ایشان است.

آنان در حالی مورد تکفیر و افترای شما واقع می گردند که بر اسلام و ایمان خود اقرار داشته به آن افتخار می کنند، اما شما با این که خدای تعالی از این کار نهیتان کرده است، بدان مبادرت می کنید.

شما بدون دلیل، ایمان مؤمنان را رد می کنید در حالی که خدای تعالی فرماید:

...وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا... (۲).

«و به کسی که نزد شما [اظهار] اسلام می کند، مگویید: تو مؤمن نیستی.»

این، چیزی جز عناد ورزی بی دلیل با خدا و رسول نیست و خدا در این باره فرماید:

ص: ۲۴

۱- (۱) - نحل (۱۶): ۱۰۵.

۲- (۲) - نساء (۴): ۹۴.

الَّذِينَ يَجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَنٍ أَتَاهُمْ كَبِيرٌ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكِ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ (۱).

«کسانی که درباره آیات خدا - بدون حجّتی که برای آنان آمده باشد - مجادله می کنند، [این ستیزه] نزد خدا و نزد کسانی که ایمان آورده اند، [مایه] عداوت بزرگی است. این گونه، خدا بر دل هر متکبر و زورگویی، مهر می نهد».

۳- بارها شده که من خود در صحن مسجد شریف نبوی، یا مسجد الحرام، با افرادی از این دست برخورد کرده ام که بر سر ما فریاد می زنند: آی جماعت شیعه! شما همه کافرید و قبر امامان خود را می پرستید!

این افترا و سخنی دروغین و اگر اندکی بیندیشند، بطلان آن آشکاراست. نسبت دروغ دادن، در مکانهای عادی، شرعاً حرام است؛ چه رسد به مکانهای مقدّسی چون بیت الله الحرام و مسجد شریف نبوی که پایگاه ایمان و وحدت امت اسلام هستند!!

۴- من از چنین کسانی خواهش می کنم، اندک زمانی گوش جان خود را به روی حقایق و واقعیات بگشایند و این جزوه را با دقّت و تدبّر مطالعه کنند، آنگاه این حق را خواهند داشت که با دلیل و

ص: ۲۵

برهان، به نفع، یا بر زیان ما حکم کنند؛ زیرا این جزوه، در مقام پاسخ به یکی از تهمتهایی است که دربارهٔ تشیع و حقیقت آن مطرح شده است. من نیز این مطلب را به صورت واقع گرایانه و با استدلال به کتاب و سنت مورد بحث قرار داده ام.

ما برای پاسخگویی به سؤالات آنان، یا هر شبهه ای که برای آنان ایجاد شود، آمادگی کامل داریم تا اگر اسلام را دوست می دارند و به سوی آن دعوت کرده به شناخت حقیقت و واقعیت، اهتمام می ورزند، حق و اهل حق را بشناسند؛ زیرا مسلمان واقعی کسی است که چون حق را دید و به آن رسید، در برابرش سر تسلیم فرود آورده به سوی آن جذب شود.

قرآن کریم حتی غیر مسلمانان را نیز به بحث و تحقیق برای دستیابی به واقعیت و حقیقت فرا خوانده است؛ چه رسد به مسلمانان در میان خود؛ چنانچه می فرماید:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (۱).

«بگو: ای اهل کتاب! بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی

ص: ۲۶

از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد، پس اگر [از این پیشنهاد] اعراض کردند، بگویید: شاهد باشید که ما مسلمانیم [نه شما]».

این جزوه، حاصل مباحثه من با یکی از شخصیت‌های وهابی است که رئیس گروهی از آنان و به لحاظ سازمانی، دارای پست مهمی بود و عمر... نام داشت. چون نمی‌خواهم مشکلی برایش پیش بیاید، دوست ندارم نام کامل او را افشا کنم.

در این مباحثه به رغم تعصب و تندوی شدید وی! موفق شدم تهمت‌های وارده بر تشیع را از ذهنش پاک کرده به او تفهیم کنم که این تهمتها از بیرون به جهان اسلام وارد شده و ریشه اسلامی ندارند.

آن مرد بحمد الله تعالی در برابر حق، سر تسلیم فرود آورد و به مذهب اهل بیت (علیهم السلام) هدایت شد و در امور عبادی خود، پیرو فقه اهل بیت (علیهم السلام) گردید.

این نتیجه یک مناظره واقع‌گرایانه و استدلال بر ضرورت پیروی از این مذهب بود؛ چرا که این مذهب، تنها راه و صراط مستقیم اسلام است.

«اسلام»، شیوه خاص و منحصر به فردی برای تربیت و پرورش پیروان و مؤمنان، نسبت به رسالت خود دارد و آن، جستجوی دائم حقیقت و رفتن به سوی واقعیت است. این روند، انسان را به واقعیت رسانده و او را از رسوبات مذهبی، قومی و جغرافیایی ذهنش آزاد می‌کند. و آنگاه که انسان، از بند این رسوبات، خلاصی یافت، به قلّه فضیلت و حقیقت می‌رسد و در این حال است که انسان با عقل خود - نه با رسوبات ذهنی و امیال درونی خویش - زندگی می‌کند.

بنا بر آنچه گفتیم، رسیدن به حقیقت، نیازمند چند چیز است:

اول این که: خود را از سلطه امیال و رسوبات فکری و نفسانی وارهاند.

دوم این که: با واقع گرایی صرف، به موضوع مورد پژوهش بنگرد تا بتواند به حقیقت و واقعیت، دست یابد.

سوم این که: پیش از آگاهی کامل از اصول و مفاهیم یک مذهب، یا یک اندیشه، درباره آن حکم نکرده پس از حصول اطلاع، به نفع یا زیان آن حکم کند.

این سه نکته از آشکارترین و اصیل ترین حقایقی است که پژوهشگر را به حق و واقع می‌رساند و بر هر مسلمان واجب است که خود را به آنها آراسته و هنگام قضاوت درباره هر چیز، از این سه

اصل اساسی یاری بجوید. بر همین اساس است که خدای متعال نیز، پیامبر خود را بدین سان مورد خطاب قرار داده است که:

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (۱).

«و چیزی را که بدان علم نداری، دنبال مکن؛ زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد.»

وقتی چنین خطابی متوجه ذات اقدس رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) باشد که معصوم و مبرای از هر خطایی است، حکم مسلمان غیر معصوم چه خواهد بود؟ پس بر ما لازم و واجب است که هیچ سخنی را بدون علم و آگاهی بر زبان نرانده بدون دانش بر چیزی حکم نکنیم که پایبندی به این اصول و التزام به این روش، مقتضای ایمان است.

ص: ۳۰

اشاره

حال، پس از بیان این مقدمه به بحث پیرامون «جایگاه تشیع در اسلام» خواهیم پرداخت و این که آیا این تفکر، پس از اسلام بر آن افزوده شده و امری بیگانه از اسلام است؟ یا این که تفکر شیعی، از درون اسلام جوشیده و در هیچ حالی از آن جدا نبوده است؟

این مطلبی است که می خواهیم به گونه ای مختصر، اما واضح و روشن و بدون هیچ ابهام و اشتباهی، پیرامون آن بحث کنیم. این بحث دارای چند وجه است.

وجه اول: وجوه چهارگانه بحث

اشاره

در تحقیق «معنای تشیع» از دو ناحیه لغوی و اصطلاحی بحث می کنیم:

معنای تشیع از منظر لغت

«تشیع» از ریشه «شیع»، به معنای «مشایعت و پیروی کردن» آمده و نویسنده قاموس اللغة این معنا را پذیرفته و گفته است:

«شیعه الرجل أتباعه و أنصاره»؛

«شیعه مرد به پیروان و یاران او گفته می شود» (۱).

ص: ۳۱

و در قرآن مجید نیز این کلمه به همین معنا آمده است:

وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ * إِذِ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (۱).

«و بی گمان، ابراهیم از پیروان اوست. آنگاه که با دلی پاک به [پیشگاه] پروردگارش آمد».

که مراد، یا پیروی در اصول دین است، یا پیروی در پایبندی به دین خدا و بردباری در مبارزه با دروغگویان (۲).

معنای تشیع از منظر اصطلاح

اصطلاحاً کلمه «شیعه» به عنوان علم و اسم خاص برای پیروان علی (علیه السلام) در آمده است؛ یعنی کسانی که از ایشان پیروی کرده رشته ولایت آن بزرگوار را بر گردن داشته او را یاری می کنند.

این اصطلاح در بر دارنده دو معناست:

الف: ولا، محبت و مودت. این معنا، وظیفه ای واجب در اسلام و مطلوب قرآن کریم است که در نص صریح، خطاب به همه مسلمانان می فرماید:

...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى... (۳).

«بگو: به ازای آن [رسالت]، پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان».

ص: ۳۲

۱- (۱) - صافات (۲۷): ۸۳-۸۴.

۲- (۲) - زمخشری، تفسیر کشاف زمخشری: ۴۸۳/۲.

۳- (۳) - شوری (۴۲): ۲۳.

حال، سؤال ما این است: آیا خویشاوندی نزدیکتر از علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) به پیامبر گرامی اسلام وجود دارد؟

پس محبت و مودت اهل بیت (علیهم السلام) که بخشی از تشیع است - چنان که گفتیم - به نص قرآن مجید، واجب است. بیضاوی نیز در تفسیر خود آورده است:

«روایت شده است که چون این آیه (آیه مودت) نازل شد، به پیامبر اکرم (علیهما السلام) عرض شد: ای رسول خدا! این خویشاوندان شما چه کسانی هستند که محبت و دوستی با آنان بر ما واجب شده است؟ فرمود: علی و فاطمه و پسران آنان».

(۱)

ب: گاهی هم از شیعه، معنای «متابعت و همراهی با اهل بیت (علیهم السلام) و تمسک به سخنان و تعالیم آنان، اراده می شود» و این نیز یک وظیفه واجب اسلامی است که نبی اکرم (علیهما السلام) آن را بر همه مسلمانان واجب کرده و آنان را به انجام آن الزام فرموده است؛ چه این که در حدیث شریف نبوی - که به «حدیث سفینه» معروف است - چنین آمده است:

«مثل أهل البيت فيكم كسفينة نوح من ركبها نجا و من تخلف عنها هوى و غرق» (۲).

ص: ۳۳

۱- (۱) - تفسیر بیضاوی: ۵۳/۵ چاپ مصر، الکتب العربیه الکبری سال ۱۳۳۰ هـ - ق.

۲- (۲) - این حدیث را حاکم، در مستدرک: ۳ / ۱۵۱ روایت کرده. خطیب نیز آن را در تاریخ خود: ۱۲ / ۹۱ تخریج کرده است. این روایت از ابوذر، انس، ابن عباس، ابوسعید خدری، ابن زبیر و دیگران نیز روایت شده است (ر.ک: الغدیر: ۲ / ۳۰۱).

«مثل اهل بیت من در میان شما، مثل کشتی نوح است که هر کس بر آن سوار شود، نجات یافته و هر کس از سوار شدن بر آن روی گرداند، سقوط کرده و هلاک خواهد شد».

این حدیث که در میان مذاهب اسلامی، مورد اتفاق بوده، همه مسلمانان را به التزام به فرمایشات و عمل به تعالیم اهل بیت (علیهم السلام) فرمان داده است تا از گمراهی و انحراف، نجات یابند.

حال، این حق را خواهیم داشت که پرسیم: آیا در میان اهل بیت کسی یافت می شود که از علی (علیه السلام) داناتر و به پیامبر (علیها السلام) زدیکتر باشد تا بتوانیم به سخنان و تعالیم وی تمسک کرده، طبق هدایت و تعالیم وی، راه پیوییم و از سقوط و هلاکت نجات یابیم؟ و آیا این حدیث، منحصر به علی و فاطمه و دو فرزند ایشان نیست؟

و چون پیامبر اکرم (علیها السلام) فرمان تمسک و پیروی از فرمایشات اهل بیت خود را می دهد، به این معنا است که این امر، بر همه مسلمانان واجب و لازم است؛ زیرا قول، فعل و تقریر پیامبر بر همه مردمان حجت و الزام آور است؛ چرا که پیامبر به تعبیر قرآن کریم کسی است که:

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (۱).

ص: ۳۴

«و از سر هوس سخن نمی گوید، آنچه می گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست».

و نیز:

...وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا... (۱).

«و آنچه را که فرستاده [او] به شما داد، آن را بپذیرید و از آنچه شما را باز داشت، بازایستید».

از این بیان، چند مطلب روشن می شود:

۱- در معارف اسلام، مراجعه به آرا و نظرات فقهای اهل بیت (علیهم السلام) و تمسک به نظرات آنان، به نصّ روایات شریف نبوی چنان که گذشت - امری واجب و لازم است، در حالی که مراجعه به سایر فقیهان [از دیگر مذاهب]، از چنین وجوبی برخوردار نیست؛ زیرا علاوه بر تعارض و اختلافی که در آرا و نظرات آنان وجود دارد، نصّی از پیامبر اکرم (علیهما السلام) در این رابطه وارد نشده است.

۲- حال، اگر تسلیم شویم و بگوییم: مراجعه به تمام علما و دانشمندان واجب است، آیا فقیهان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) که به شهادت تاریخ همواره از افراد ممتاز این طبقه بوده اند، در صدر سلسله و طلایه دار این گروه نیستند؟ به علاوه، نصّ صریح روایات شریف نبوی

ص: ۳۵

- که حدیث سفینه نمونه ای از آن است - بر تمسک به نظرات و فتاوی آنان تأکید می کند.

۳- در صورت بروز اختلاف و تعارض، میان رأی علمی فقیهی از پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) با فقیه دیگری از غیر پیروان اهل بیت (علیهم السلام) به مقتضای شرع و عقل، واجب است که قول و نظر فقیه پیرو اهل بیت (علیهم السلام) را بپذیریم؛ زیرا در این صورت، بدون شک، به حکم واقعی الهی دست یافته از گمراهی به دور خواهیم ماند (دلیل این مدعا سخن پیامبر اکرم (علیهما السلام) در حدیث سفینه است)، این در حالی است که انسان، با عمل به رأی فقیهان سایر مذاهب، نمی تواند به حکم شرعی یقین پیدا کند و در این شک و حیرت باقی می ماند که آیا به واقع امر، دست یافته است یا نه؟؛ زیرا در مورد رأی آنان حدیثی از پیامبر اکرم (علیهما السلام) وارد نشده و انسان عاقل، با تمسک به امری مشکوک، امر یقینی را ترک نمی کند بلکه برعکس، امر مشکوک را به کناری نهاده و یقین را ملاک عمل قرار خواهد داد.

۴- حال، ما می پرسیم: اصلاً چرا پیامبر اکرم (علیهما السلام) این حدیث شریف را بیان فرموده و فایده بیان آن، چه بوده است؟

با توجه به این که آن حضرت از سر هوا و هوس سخن نمی گوید و هر چه بر زبان می آورد، وحیی است که از غیب به او می رسد، آیا از سر شوخی به بیان این مطلب پرداخته؟! یا این که مقصود آن حضرت، نجات امت از گمراهی و انحراف بوده است؟

در این صورت، مسلمانان را چه می شود که خصوصاً در هنگام بروز اختلاف آرا و نظریات، به این حدیث شریف، عمل نمی کنند تا بدین وسیله - به تصریح پیامبر اکرم (علیهما السلام) در این حدیث شریف - از گمراهی و انحراف، مصون بمانند؟

۵- از نصّ این حدیث شریف، چنین بر می آید که عدم اخذ به رأی و نظر فقیهان اهل بیت (علیهم السلام) خصوصاً در موارد تعارض و اختلاف، دلیل بر پافشاری و اصرار در گمراهی و انحراف است؛ چه این که در حدیث شریف سفینه - که قبلاً از آن سخن رفت - چنین آمده که:

ومن تخلف عنها هوی و غرق.

«وکسی که از سوار شدن به این کشتی سر باز زند، سقوط کرده و غرق خواهد شد.»

۶- تمسّک به آرا و فرمایشات ائمه اهل بیت (علیهم السلام) خود یکی از مصادیق بارز مودّت و محبّت به ذوی القربی است که در قرآن کریم، به نصّ صریح، واجب شمرده شده است:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى.

«بگو: به ازای آن [رسالت]، پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان.»

و پر واضح است که عمل نکردن به نظرات و فرمایشات آنان، دلیل بر عدم توجّه و اعتنا به آن بزرگواران بوده و این خود، نوعی

جفاکاری در حق آنان به شمار می آید که با مفاد آیه مؤدّت - که در بالا به آن اشاره شد - منافات دارد. به این جفاکاری، اضافه کنید گمراهی و انحرافی را که به نصّ حدیث پیش گفته سفینه، دامنگیر چنین کسانی خواهد شد.

وجه دوم: تشیع از چه زمانی آغاز شد؟

اشاره

اینک به لحاظ تاریخی، «پدیده پیدایش تشیع» را مورد بحث قرار می دهیم تا بتوانیم از راه بررسی تاریخ تأسیس و پیدایش آن، به نفع، یا به زیان آن اظهار نظر کنیم. هنگامی که نظریات مختلف را پیرامون پیدایش تشیع بررسی می کنیم، به نظریات ذیل می رسیم:

۱- تشیع در زمان رسول خدا (علیهما السلام) بنیان نهاده شده و آن حضرت خود، بنیانگذار این مکتب و غرس کننده این نهال بوده اند.

۲- تشیع بعد از وفات پیامبر اکرم (علیهما السلام) و پس از ماجرای سقیفه بنی ساعده به وجود آمد؛ آن جا که گروهی از مهاجرین و انصار به دور علی (علیه السلام) گرد آمده از بیعت با غیر او امتناع کردند.

۳- تشیع پس از جنگ جمل به وجود آمد که در آن اکثریت صحابه در کنار علی (علیه السلام) قرار گرفته در رکاب آن حضرت جنگیدند.

۴- تشیع بعد از شهادت حضرت امام حسین (علیه السلام) در کربلا و قیام توّابین و مختار ایجاد شد.

۵- تشیع در عصر پیدایش مذاهب، در قرن چهارم و در دوران خلافت عباسیان به وجود آمد؛ دورانی که در آن، مذاهب فقهی گوناگونی همچون مذهب حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی شکل گرفتند، در آن زمان بود که «مذهب شیعه جعفری» نیز پیدا شد.

۶- این مذهب در قرنهای اخیر توسط فارس ها ایجاد شد؛ چرا که می بینیم تا قبل از قرن ششم هجری، اغلب قوم فارس، علاقه ای به تشیع نداشته و غالباً پیرو مذاهب اهل سنت بودند (۱) و حتی ابوحنیفه که رئیس مذهب حنفی است، از قوم فارس می باشد.

این خلاصه نظریات مختلف، درباره «پیدایش تشیع» بود.

اما محققانی که بخواهد در رابطه با «تاریخ تشیع» به تحقیق پردازد، درخواهد یافت که قدیمی ترین سند تاریخی که در آن، لفظ «شیعه علی» به کار رفته روایتی نبوی است که محدثان آن را در مورد نازل شدن آیه شریفه زیر بیان کرده اند:

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ (۲).

«در حقیقت، کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، آنانند که بهترین آفریدگانند».

ص: ۳۹

۱- (۱) - بلکه قرن دهم، رک کتابهای تاریخ.

۲- (۲) - بینه (۹۸): ۷.

روایات بسیاری با این مضمون از پیامبر اکرم (علیهما السلام) از طریق اهل سنت رسیده است، که به آنها اشاره می‌کنیم:

۱- در تفسیر الدرّ المنثور سیوطی چنین آمده است:

«ابن عساکر با سند معتبر از جابر بن عبد الله نقل کرده است که گفت: نزد پیامبر (علیهما السلام) بودیم که علی (علیه السلام) وارد شد و پیامبر (علیهما السلام) فرمود:

«و الذی نفسی بیده إنّ هذا و شیعتہ لهم الفائزون یوم القیامه» (۱).

«سوگند به آنکه جانم در قبضه قدرت اوست! این مرد و شیعیان او همان کسانی هستند که در روز قیامت، رستگارند».

و این آیه نازل شد که:

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُم خَيْرُ الْبَرِيَّةِ.

«در حقیقت کسانی که گرویدند و کارهای شایسته کردند، آنانند که بهترین آفریدگانند».

و اصحاب پیامبر اکرم (علیهما السلام) چون علی (علیه السلام) به نزد آنان می‌آمد، می‌گفتند: خیر البریه (بهترین آفریدگان) آمد».

۲- همچنین سیوطی در همان تفسیر آورده است:

ص: ۴۰

«ابن عدی، از ابن عباس روایت کرده که گفت: چون آیه: **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَوْلَىٰكُمْ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ** نازل شد، رسول خدا (علیهما السلام) به علی (علیه السلام) فرمود:

«هُوَ أَنْتَ وَشِيعَتُكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَاضِينَ رَاضِينَ» (۱).

برترین آفریدگان خدا، تو و شیعیان تو هستید که در روز قیامت، خدا از شما راضی است و شما نیز از خدا خشنود می باشید.

۳- طبری در تفسیر خود چنین آورده:

از ابوالجارود، از محمد بن علی در ذیل آیه: **أَوْلَىٰكُمْ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ** نقل است که پیامبر اکرم (علیهما السلام) فرمود:

«أَنْتَ يَا عَلِيُّ! وَشِيعَتُكَ» (۲).

«ای علی تو و شیعیانت».

۴- خوارزمی در مناقب، چنین روایت کرده است:

«از طریق حافظ ابن مردویه، از یزید بن شراحیل انصاری، کاتب علی (علیه السلام) نقل است که گفت: از علی (علیه السلام) شنیدم که می فرمود:

«حَدَّثَنِي رَسُولُ اللَّهِ (عَلَيْهِمَا السَّلَام) وَأَنَا مَسْنَدُهُ إِلَى صَدْرِي فَقَالَ: يَا عَلِيُّ أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَوْلَىٰكُمْ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ**؟

هم أنت و شيعتك، و

ص: ۴۱

۱- (۱) - الدر المنثور: ۶ / ۳۷۹، چاپ چاپخانه منیه قاهره، ۱۳۱۴ هـ - ق، همین مضمون را خوارزمی نیز در مناقب خود، صفحه ۶۶ آورده است.

۲- (۲) - تفسیر طبری: ۳ / ۱۴۶.

موعدی و موعدکم الحوض، إذا اجتمعت الأمم للحساب تدعون غراً محجلین» (۱).

«رسول خدا (علیهما السلام) در حالی که آن حضرت را به سینۀ خود چسبانیده بودم، فرمود: ای علی! آیا سخن خدا را نشنیدی که می فرماید: در حقیقت کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده اند، آنانند که بهترین آفریدگانند؟ آن گروه، تو و شیعیان تو هستید و میعادگاه من با شما حوض کوثر است. آنگاه که امتها برای حساب گرد آیند، شما در حالی فرا خوانده می شوید که چهره هایتان می درخشد».

۵- صاحب الغدیر نیز آورده است:

«حافظ جمال الدین زرنندی با سند خود از ابن عباس - رضی الله عنهما - نقل کرده است که گفت:

«چون این آیه نازل شد، پیامبر اکرم (علیهما السلام) به علی (علیه السلام) فرمود:

«هو أنت و شیعتک؛ تأتي أنت و شیعتک يوم القيامة راضين مرضيين، و يأتي عدوُّك غضاباً مُقَمَّحِينَ؛ قال: ومن عدوی؟ قال (علیهما السلام): من تبرأ منك و لعنک، ثم قال رسول الله (علیهما السلام): من قال رحم الله علیاً رحمه الله» (۲).

«این گروه، تو و شیعیان تو هستید که در روز قیامت، خدا از شما راضی و شما از خدا راضی هستید و دشمن تو خشناک و غل به گردن به

ص: ۴۲

۱- (۱) - مناقب، خوارزمی: ۱۷۸.

۲- (۲) - ر.ک: الغدیر: ۲ / ۵۸.

محشر می آید. علی (علیه السلام) به آن حضرت عرض کرد: دشمن من کیست؟ فرمود: کسی که از تو بیزاری جسته و تو را لعن کند. سپس رسول خدا (علیهما السلام) فرمود: رحمت خدا بر کسی که بگوید: رحمت خدا بر علی باد».

۶- بغدادی در تاریخ خود چنین آورده:

«پیامبر اکرم (علیهما السلام) به علی (علیه السلام) فرمود:

«أنت و شیعتك فی الجنة» (۱).

«تو و شیعیانت در بهشت هستید».

۷- در کتاب مروج الذهب نیز، این سخن پیامبر (علیهما السلام) آمده است که:

«إذا كان يومُ القيامة دُعِيَ الناسُ بأسمائهم و أسماء أمهاتهم إلا هذا - یعنی علیاً - و شیعته فإِنَّهم يدعون بأسمائهم و أسماء آبائهم لصحَّه ولادتهم» (۲).

«چون روز قیامت فرا رسد، همه مردمان به نامهایشان و نام مادرانشان خوانده می شوند، مگر این - یعنی علی و شیعیانش که چون از ولادت صحیح برخوردارند، به نامهای خود و پدرانشان خوانده می شوند».

۸ - صاحب صواعق نیز در کتاب خود از پیامبر اکرم (علیهما السلام) نقل می کند که به علی (علیه السلام) فرمود:

ص: ۴۳

۱- (۱) - تاریخ بغداد: ۲۸۹ / ۱۲.

۲- (۲) - مروج الذهب: ۵۱ / ۲.

«يا علي! إن الله غفر لك و لذريتك و لولدك و لأهلك و شيعتك و لمحبي شيعتك» (۱).

«ای علی، همانا خداوند، تو و ذریه تو و فرزندان، خاندانت، شیعیانت و دوستداران شیعیانت را آمرزیده است.

۹- در مجمع الزوائد آمده است که پیامبر (علیهما السلام) به علی (علیه السلام) فرمود:

«أنت أول داخل الجنة من أمتي و أن شيعتك على منابر من نور مسرورون مبيضه و جوههم حولي. أشفع لهم فيكونون غداً في الجنة جيرانی» (۲).

«تو اولین کس از امت من هستی که وارد بهشت می شود و همانا شیعیان تو، بر منبرهایی از نور، شادمان و با چهره هایی سپید پیرامون من هستند و من از آنان شفاعت می کنم و ایشان در بهشت همسایگان من هستند».

۱۰- حاکم در مستدرک نقل کرده است از رسول خدا منقول است که فرمود:

«أنا الشجرة و فاطمه فرعها، و علی لقاحها و حسن و حسین ثمرها، و شيعتنا ورقها، و أصل الشجرة في جنة عدن و سائر ذلك في سائر الجنة» (۳).

ص: ۴۴

۱- (۱) - الصواعق المحرقة: ۱۴۰ و ۱۳۹ و ۹۶.

۲- (۲) - مجمع الزوائد: ۹ / ۱۳۱؛ كفايه الأثر: ۱۳۵.

۳- (۳) - این حدیث را حاکم در مستدرک: ۳ / ۱۶۰ و ابن عساکر در تاریخ خود: ۳۱۸/۴ و ابن صبّاح در الفصول، صفح ۱۱ ذکر کرده اند.

«من به منزله تنه درخت هستم؛ فاطمه شاخه درخت، علی، مایه باروری آن، حسن و حسین، میوه های آن و شیعیان ما برگهای این درخت هستند؛ ریشه این درخت در بهشت عدن و سایر قسمت های آن در دیگر بهشت ها است».

۱۱- در تاریخ ابن عساکر چنین آمده که پیامبر اکرم (علیهما السلام) به علی (علیه السلام) فرمود:

«یا علی! إنَّ أوَّلَ أربعه یدخلون الجنّه أنا و أنت و الحسن و الحسین و ذرّیتنا خلف ظهورنا و أحبّناؤنا خلف ذرّیتنا و أشیاعنا عن أیماننا و شمائلنا» (۱).

«ای علی! چهار نفری که اول به بهشت وارد می شوند: من هستم و تو و حسن و حسین و نسل و ذریه ما به دنبال ما و همسران ما به دنبال ذریه ما و شیعیان ما از چپ و راست ما می آیند».

۱۲- در تاریخ خطیب آمده است که پیامبر اکرم (علیهما السلام) فرمود:

«شفاعتی لأمتی؛ من أحبّ أهل بیتی و هم شیعتی» (۲).

«شفاعتم نصیب امت من است؛ آنان که اهل بیت مرا دوست بدارند و آنان شیعیان من هستند».

ص: ۴۵

۱- (۱) - تاریخ ابن عساکر: ۳۳۱۸/۴؛ تذکره السمطین: ۳۱؛ الصواعق المحرقة: ۹۶.

۲- (۲) - تاریخ خطیب: ۱۴۶/۲.

۱۳- «هیثمی در مجمع الزوائد آورده است که رسول خدا (علیهما السلام) در خطبه خود فرمود:

«يا أيها الناس! من أبغضنا أهل البيت، حشره الله يوم القيامة يهودياً».

«ای مردم! هر کس ما خاندان را دشمن بدارد، خداوند در روز قیامت او را یهودی محشور خواهد کرد».

پس جابر بن عبد الله عرض کرد: «ای رسول خدا! اگر چه آن شخص نماز خوانده و روزه گرفته باشد؟».

آن حضرت فرمود:

«وإن صام و صلی و زعم أنه مسلم، احتجَزَ بذلك عن سفكك دمه و أن يؤدَى الجِزِيَةَ عن يدٍ و هم صاغرون. مُثِّلَ لِي أُمَّتِي فِي الطَّيْنِ فَمَرَّ بِي أَصْحَابُ الرَّايَاتِ فَاسْتَغْفَرْتُ لِعَلِيٍّ وَ شِيعَتِهِ» (۱).

«حتی اگر نماز خوانده و روزه گرفته باشد و چنین گمان کند که مسلمان است؛ او با این کار، تنها خود را از کشته شدن و دادن جزیه با خواری و ذلت، نجات می دهد. در میان آب و گل، شیعیانم را به من

ص: ۴۶

۱- (۱) - احتمالاً مراد از اصحاب رایات، خلفای جور از بنی امیه و بنی عباس و سایر دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) تا روز قیامت هستند (مترجم، به نقل از مولی محمد صالح مازندرانی، شرح اصول کافی: ۱۵۸/۷).

نشان دادند و در همان حال پرچم داران (۱) از کنارم گذشتند، آنگاه من برای علی و شیعیانش استغفار کردم».

۱۴- از آنچه تا کنون آوردیم، چنین بر می آید که بانی و کشت کننده بذر تشیع، پیامبر اکرم (علیهما السلام) بوده است؛ زیرا آن حضرت بوده که برای رشد و پرورش این نهال، تلاش فراوان کرده و همگان را به آن فرا خوانده است؛ از دیگر سوی، خداوند متعال نیز ما را فرمان داده است که:

...وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا... (۲).

«و آنچه را که فرستاده [او] به شما داد، آن را بپذیرید و از آنچه شما را باز داشت، بازایستید».

بر این اساس، بر هر مسلمان مؤمنی واجب و لازم است برای رسیدن به حق و حقیقت، همواره دست به دامان پیامبر اعظم (علیهما السلام) بزند و به سخنان آن حضرت تمسک کند؛ چون آن حضرت به تصریح قرآن کریم، از سرِ هو و هوس سخن نگفته، تمام سخنانش وحیی است که از جانب خدا به او می رسد. بر مبنای این مقدمات، آشکار شد که: این اسلام راستین است که تشیع را بنیاد نهاده و تشیع سرچشمه زلال اسلام است.

ص: ۴۷

۱- (۱) - مجمع الزوائد: ۱۷۲/۹.

۲- (۲) - حشر: ۷.

دلایل وجوب تمسک به مذهب اهل بیت (علیهم السلام)

مدعا این است که بر هر انسان مسلمانی، واجب است که از مذهب اهل بیت (علیهم السلام) پیروی کند و این امر، از روایات صریح رسیده از رسول اعظم اسلام (علیهما السلام) که در آن به لفظ «شیعه» تصریح شده است، استفاده می شود.

به مقتضای مضمون این روایات، هدف اسلام جز با پیروی از مذهب تشیع برآورده نمی شود و این مذهب، سرچشمه زلال اسلام است و از رهگذر این احادیث، مسأله وجوب تمسک به تعالیم اهل بیت (علیهم السلام) و پیروی از سخنان آن بزرگواران را کشف می کنیم؛ زیرا تنها راه نجات یافتن از نابودی و گمراهی، همین است؛ چون پیامبری که جز به الهام وحی سخن نگفته، هرگز از سر هوا و هوس زبان به تکلم نمی گشاید، چنین فرموده است.

حال به نمونه هایی از سخنان آن حضرت در این باره توجه کنید:

الف:

«إِنِّي تَارِكٌ (أَوْ مَخْلُفٌ) فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي؛ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي، وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ» (۱).

ص: ۴۸

«من در میان شما دو چیز سنگین و ارزشمند باقی (یا به میراث) می گذارم که پس از من تا وقتی به آن دو چنگ زده و تمسک بسته اید، هرگز گمراه نخواهید شد؛ کتاب خدا و عترت (اهل بیت) من؛ این دو، همواره با یکدیگر خواهند ماند تا در سر حوض کوثر، بر من وارد شوند».

علامه زرقانی مالکی، طبق نقل علامه سمهودی در شرح المواهب از او، از این روایت چنین برداشت می کند:

«این روایت، این معنا را به ما می رساند که یقیناً بعد از پیامبر اکرم (علیهما السلام) در هر عصر و زمانی تا روز قیامت، کسی از عترت آن حضرت وجود دارد که این شایستگی را داشته باشد که مسلمانان از او پیروی کنند تا به این ترتیب، این تشویق و ترغیب پیامبر (علیهما السلام) درباره تمسک به عترت، در هر عصر و زمانی، مصداق داشته باشد؛ همچنان که قرآن کریم نیز پیوسته و در تمام زمانها می تواند دستاویز نجات بخش مسلمانان باشد؛ از همین روی، قرآن و عترت پاک نبوی، همواره امان اهل زمین هستند و اگر اینها از میان بروند، تمام اهل زمین نابود خواهند شد».

ب

:«من سرّه أن یحیی حیاتی و یموت مماتی و یسکن جنّه عدنِ غرسها ربّی فلیوال علیّاً من بعدی، و لیوال ولّیّه، و لیقتد بالأئمّه من بعدی، فإنّهم عترتی خُلِقوا من طینتی و رُزِقوا

ص: ۴۹

فهمی و علمی، فویلٌ للمكذبین بفضلهم من أمتی، القاطعین فیهم صلّتی، لا أنالهم الله شفاعتی» (۱).

«هر کس از این شادمان می شود که همچون من زندگی کند و همچون من بمیرد و در باغهای عدن بهشت که پروردگارم آنها را کاشته است، سکنی گزیند، باید که پس از من، علی را مولای خود بدانند و دوستان او را دوست بدارد و از اهل بیت من پیروی کند؛ چرا که آنان عترت من هستند و از خمیرمایه وجود من آفریده شده و دانش و فهم من نصیب ایشان گردیده است. پس وای بر آن دسته از امت من که برتری آنان را انکار کنند و حق خویشاوندی آنان را با من نادیده انگارند که خدا شفاعت مرا نصیب ایشان نخواهد کرد».

ج:

«فی کلّ خلوف من أمتی عدول من أهل بیتی ینفون من هذا الدّین تحریف الغالین، و انتحال المبطلین، و تأویل الجاهلین، ألا إنّ أئمتکم وفدکم إلى الله عزّ و جلّ فانظروا بمن توفدون» (۲).

«در هر نسل از امت من، مردان عادل از اهل بیت و خاندانم هستند که تحریف گزافه گویان، نسبتهای دروغ باطل پویان و تأویل نادانان را از این دین خواهند زدود. بدانید که پیشوایان شما فرستادگان شما به سوی

ص: ۵۰

۱- (۱) - حافظ ابونعیم در حلیه: ۶۸/۱ این حدیث را تخریج کرده و همچنین در ترتیب جمع الجوامع: ۲۱۷/۶ آمده است. طبرانی و رافقی نیز این روایت را آورده اند.

۲- (۲) - طبری در ذخائر العقبی، صفح ۱۷ این روایت را تخریج کرده است (صواعق: ۱۴۱).

پروردگارتان هستند، پس در این اندیشه کنید که چه کسانی را به نزد خدا خواهید فرستاد».

د:

«إِنَّمَا مَثَلِي وَمَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَسَفِينَةِ نُوحٍ؛ مَنْ رَكِبَهَا نَجَّى وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ» (۱)

«همانا مثل من و اهل بیت من، مثل کشتی نوح است؛ هر کس بر آن سوار شود، نجات یافته و هر کس از سوار شدن به آن سر باز زند، غرق خواهد شد».

ه-:

«النجوم أمان لأهل الأرض من الغرق و أهل بيتي أمان لأمتي من الإختلاف؛ فإذا خالفتها قبيلة اختلفوا فصاروا حزب إبليس» (۲)

«ستارگان، امان امت من از غرق شدن هستند و اهل بیتم، امان آنان از افتادن در اختلاف هستند؛ پس هر قبیله ای، از اهل بیت من سرپیچی کند، دچار اختلاف شده و از حزب شیطان خواهد شد».

از آنچه گفته شد، به تصریح روایات شریف نبوی، وجوب تمسک به سخنان و تعالیم اهل بیت (علیهم السلام) به خوبی دریافت می شود و بر همین اساس، مخالفت با اهل بیت پیامبر (علیهما السلام) به هیچ وجه جایز نیست، پس ای برادر مسلمان! به این حکم صریح اسلامی توجه کن».

ص: ۵۱

۱- (۱) - بغدادی در تاریخ: ۹۱/۱۲ و حاکم در مستدرک: ۱۵۱/۳ این روایت را تخریح کرده و حاکم آن را صحیح دانسته است.

۲- (۲) - حاکم در مستدرک: ۱۴۹/۳ این روایت را تخریح و تصحیح کرده است.

وجه سوّم: تصریح پیامبر (علیهما السلام) بر تشیع و شیعه ائنا عشری

شیعه تنها مذهبی است که در پیدایش و نامگذاری و تعیین تعداد ائمه خود، مستند به نصّ روایات اسلامی است، لذا شیعه و تشیع سرچشمه زلال و طبیعی اسلام است. دلیل ما بر این امر، «تصریح پیامبر (علیهما السلام) بر تشیع» است. و این مطلبی است که در کتابهای [شیعه و] برادران اهل سنت وارد شده است؛ چنان که در تفسیر الدر المنثور تألیف حافظ سیوطی نیز آمده و ما پیش از این، متن آن را ذکر کردیم.

علامه مجلسی نیز در دایره المعارف بزرگ خویش (بحار الأنوار) چنین آورده است:

«ابو سعید خدری گوید: روزی رسول خدا نشسته بودند و در کنار آن حضرت، تعدادی از صحابه، از جمله علی ابن ابی طالب (علیه السلام) حضور داشتند، ناگهان رسول خدا فرمود:

«من قال لا إله إلا الله دخل الجنة؛ فقال رجلان من أصحابه: فنحن نقول لا إله إلا الله، فقال رسول الله (عليهما السلام): إنما تُقبَلُ شهادة أن لا إله إلا الله من هذا و شيعته الذين أخذ ربنا ميثاقهم» (۱).

«هر کس لا اله الا الله بگوید، وارد بهشت می شود. دو مرد از اصحاب آن حضرت، به ایشان عرض کردند: ما نیز لا اله الا الله می گوییم. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: همانا شهادت لا اله الا الله تنها از این شخص

ص: ۵۲

[علی (علیه السلام)] و شیعیان او، که خداوند از آنان عهد و میثاق گرفته است، پذیرفته خواهد شد».

همچنین امام احمد بن حنبل در کتاب مسند، روایتی آورده که متن آن چنین است:

از شعبی، از مسروق نقل است که گفت: نزد عبد الله بن مسعود نشسته بودیم و او قرآن را بر ما قرائت می کرد. در این هنگام مردی به او گفت: ای ابا عبد الرحمن! آیا هرگز از رسول خدا پرسیدید که این امت، چند خلیفه خواهد داشت؟ عبد الله بن مسعود گفت: از هنگامی که من به عراق آمده ام، کسی چنین سؤالی از من نکرده است. سپس گفت: آری، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چنین سؤالی کردیم و آن حضرت در پاسخ فرمود:

«إثنا عشر كَعْدَهُ نُقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (۱).

«دوازده تن، به تعداد نُقبای بنی اسرائیل».

پیامبر اکرم (علیهما السلام) در ادامه این حدیث، چنین تأکید فرمودند:

«لا يزالُ هذا الدين قائماً حَتَّى تقومُ الساعةُ ويكونُ عليهمُ إثنا عشر خلیفه کلهم من قریش» (۲).

ص: ۵۳

۱- (۱) - مسند احمد: ۱/۶۵۷، ح ۳۷۷۲.

۲- (۲) - صحیح مسلم: ۳/۱۴۵۲.

«این دین همواره تا قیام قیامت برپا خواهد بود و دوازده خلیفه که تمامی از قریش هستند، آنان آنها را سرپرستی خواهند کرد».

با توجه به این روایت شریف، باید ببینیم پس از پیامبر اسلام، چند خلیفه و با چه ترتیبی بر مسند خلافت رسول نشسته اند. به آماری در این رابطه توجه کنید:

خلفای راشدین با احتساب حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام)؛ پنج نفر:

خلفای بنی امیه؛ چهارده نفر.

خلفای بنی عباس؛ ۲۳ نفر.

مجموع این خلفا؛ ۴۲ نفر.

با توجه به این آمار تاریخی، چنین نتیجه می گیریم که جز بر طبق معتقدات مذهب اهل بیت (علیهم السلام) - که اعتقادات خود را درباره نام و تعداد امامان خود، مو به مو از سخنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) گرفته اند - نمی توان این حدیث شریف را تفسیر کرد. به همین جهت است که شیعیان، خود را به تبعیت از رسول الله (علیهما السلام) «شیعه اثنا عشری» نامیده اند.

اگر بخواهید این بحث را به تفصیل مورد مطالعه قرار دهید، به کتاب «نظریه النبوه والإمامه والخلافه» (۱) مراجعه کنید.

ص: ۵۴

حال که معلوم شد مذهب تشیع بر گرفته از کتاب و سنت است و این تنها مذهبی است که حتی در تعیین نام و تعداد ائمه (علیهم السلام) ملتزم به قرآن و سنت است، چگونه می توان به چنین مکتبی تهمت زد و افترا بست؟

وجه چهارم: ویژگی های شیعه

انسانی که وابسته به مذهب و متمسک به تعالیم اهل بیت (علیهم السلام) است و راه و روش و سیره آن بزرگواران را در زندگی سر مشق خود قرار می دهد، به ناچار باید دارای هویت و علامت ویژه ای باشد، که بدون هیچ ابهامی او را از دیگران متمایز و مشخص کند.

حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) - که فرزند حضرت امام سجاد زین العابدین؛ علی بن حسین بن علی ابن ابی طالب (علیهم السلام) است - در پاسخ به سؤال یکی از اصحاب خود به نام جابر بن یزید جعفی که در رابطه با مشخصات و ویژگیهای انسان شیعی، چنین پرسیده بود: ای فرزند رسول خدا! آیا برای کسی که خود را شیعه شما می داند، کافی است که به ولایت شما معتقد باشد؟ فرموده اند:

«لا یا جابر! فوالله ما شیعتنا إلا من اتقى الله و أطاعه و ما كانوا يُعرفون إلا بالتواضع و التخشع و الإنابة و كثره ذكر الله و الصوم و الصلاة و تلاوه القرآن و التعهد للجيران من الفقراء و أهل المسكنه و كانوا أمناء عشائهم في الأشياء.

فقال جابر: يا بن رسول الله! ما يعرف اليوم أحدٌ بهذه الصفات؟ فقال الإمام: يا جابر! لا تذهبن بك المذاهب أفحسب الرجل أن يقول أَحَبُّ عَلِيًّا و أَتَوَلَّاهُ ثُمَّ لَا- يَكُونُ فَعَالًا؟ فَلَوْ قَالَ: إِنِّي أَحَبُّ رَسُولِ اللَّهِ و رَسُولُ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ عَلِيٍّ، و لَا يَعْمَلُ بِسُنَّتِهِ و لَا يَتَّبِعُ سِيرَتَهُ مَا نَفَعَهُ حُبُّهُ شَيْئًا؛ اتَّقُوا اللَّهَ و أَطِيعُوهُ و لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ و بَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ؛ أَلَا مَنْ كَانَ عَاصِيًّا لِلَّهِ فَهُوَ عَدُوٌّ لَنَا و مَنْ كَانَ مُطِيعًا فَهُوَ وَلِيٌّ لَنَا».

«نه، ای جابر! به خدا سوگند! شیعه ما نیستند، مگر آنان که تقوای الهی پیشه نموده و خداوند را اطاعت کنند و آنان جز به فروتنی، خشوع، انابه، بسیار به یاد خدا بودن، روزه، نماز، تلاوت قرآن و متعهد بودن به رسیدگی به امور همسایگان نیازمند، شناخته نمی شوند و در میان قوم و قبیله خود، همواره مورد اعتماد و امانتدار مردم هستند».

جابر عرضه داشت: ای فرزند رسول خدا! امروزه کسی با این صفات یافت نمی شود! امام فرمودند: ای جابر! به بیراهه نرو! آیا هیچ مردی می تواند ادعا کند که من علی را دوست می دارم و ولایت او را در دل دارم، اما در پس ادعای خود، عمل و فعالیت نداشته باشد؟ اگر کسی بگوید: من رسول خدا را دوست می دارم و رسول خدا برتر از علی است، اما به سنت او عمل نکرده از سیره وی پیروی ننماید، این دوستی تنها، سودی به حال وی نخواهد داشت. از خدا پرهیزید و از او پیروی کنید و بدانید که خدا با هیچ کس نسبت خویشاوندی ندارد. آگاه باشید که

هر کس خدا را معصیت کند، دشمن ماست و هر کس مطیع خدا باشد، از اولیای ما به حساب می آید».

این، بخشی از ویژگیهای یک انسان مسلمان شیعه بود که منسوب به مذهب اهل بیت (علیهم السلام) می باشد؛ یعنی کسی که شایستگی دارد خود را به این صفات بیاراید تا در مقام عمل، شاگرد راستین و موفق این مکتب باشد.

أَمَّا صِرْفِ ادِّعَايِ انْتِسَابِ بِهٖ مَذْهَبِ اَهْلِ بَيْتِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامِ) وَ يَدْكُ كَشِيْدِنِ نَامِ تَشِيْعِ، بِدُوْنِ عَمَلٍ وَ التَّرَامِ بِهٖ دَسْتُوْرَاتِ اَنْ، نِهٖ فَايْدِهٖ اَيِّ دَاشْتِهٖ، نِهٖ جَلْبِ كُنْنِدَهٗ مَحَبَّتِيْ اَسْتِ وَ چَنِينِ كَسِيْ، مَصْدَاقِ اَيْنِ شَعْرِ شَاعِرِ اَسْتِ كِهٖ مِيْ كُوِيْدِ:

وَكُلُّ يَدْعَى وَصَلًا بَلِيْلِيْ وَ لِيْلِيْ لَا تَقْرَ لَهُمْ بَذَاكَ

«و هر کدام از ایشان ادعای وصال لیلی را دارند، اما چنان نیست که لیلی سخن تمامی ایشان را تصدیق کند».

این جزوه در بر دارنده بخشی از مباحثات شفاهی ست که در مکه مکرمه و مدینه منوره درباره شیعه و تشیع انجام گرفته است. ما به گونه ای واقع گرایانه در این مباحث وارد شدیم به گونه ای که منجر به پذیرش مذهب اهل بیت (علیهم السلام) توسط برخی از منصفان گردید. انسانهایی که تنها هدف ایشان، اسلام و یافتن راه استوار آن بوده، همواره در پی یافتن حق و اهل حق هستند.

شاید خواندن این جزوه نیز، اولین تجربه خواننده آن، در راه یافتن مذهب حق، بر اساس قرآن کریم و سنت شریف نبوی باشد.

- ١- الصواعق المحرقة.
- ٢ - الغدير فى الكتاب والسنة للشيخ الأمينى.
- ٣ - الفصول المهمة لابن الصباغ.
- ٤ - القرآن الكريم وتفسيره.
- ٥ - المستدرک للحاكم.
- ٦ - المناقب للخوارزمى.
- ٧ - بحار الأنوار للشيخ المجلسى.
- ٨ - تاريخ ابن عساکر.
- ٩ - تاريخ بغداد للخطيب البغدادى.
- ١٠ - تاريخ مروج الذهب للمسعودى.
- ١١ - تذکره السمطين.
- ١٢ - تفسير البيضاوى.
- ١٣ - تفسير الدر المنثور للسيوطى.
- ١٤ - تفسير الطبرى.
- ١٥ - تفسير الكشاف للزمخشرى.
- ١٦ - ذخائر العقبى.
- ١٧ - شرح المواهب.

- ١٨ - صحيح مسلم.
- ١٩ - قاموس المحيط في اللغة.
- ٢٠ - كتب اللغة والتاريخ.
- ٢١ - كفايه الأثر.
- ٢٢ - كفايه الطالب.
- ٢٣ - مجمع الزوائد.
- ٢٤ - مروج الذهب.
- ٢٥ - مسند أحمد بن حنبل.
- ٢٦ - نظريه النبوه والإمامه للمؤلف.
- ٢٧ - نهج البلاغه من خطب الإمام على (عليه السلام).

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

